

بررسی تأثیر روابط فرهنگی بر روابط سیاسی ایران و عراق (با تأکید بر انقلاب اسلامی)

محمدجعفر جوادی ارجمند*

محمد رضا امیرزاده**

چکیده

در این مقاله با نگاه مختصر به گذشته روابط ایران و عراق و با توجه به این پیش فرض که در بررسی روابط ایران و عراق باید بین روابط سیاسی از یک سو و روابط فرهنگی از سوی دیگر تمایز قائل شد، به بررسی این فرضیه پرداخته‌ایم که هر چه روابط فرهنگی و متأثر از آن، ارتباطات اجتماعی میان ملت‌های دو کشور بیشتر باشد، امکان همگرایی سیاسی میان آن دولت‌ها بیشتر می شود. برای انجام این تحقیق که از روش کتابخانه‌ای و فرضیه‌آزما استفاده شده است با الهام از نظریه دویچ به دنبال بررسی تأثیر روابط فرهنگی بر روابط سیاسی (مطالعه موردی ایران و عراق) هستیم.

واژگان کلیدی

روابط فرهنگی، روابط رسمی، ایران، انقلاب اسلامی، عراق.

مقدمه

رابطه ایران و عراق از ابتدای جدایی این کشور از امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۰ تاکنون متأثر از عوامل گوناگون، روندهای مختلفی را به خود گرفته است. روابطی که تحت سایه عوامل ژئوپلیتیک همواره تنش‌زا و تهدیدزا بوده است. اختلافات مرزی بیشترین تأثیرگذاری را بر روابط دو کشور داشته

mjjavad@ut.ac.ir
rezaamirzadeh@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۱۷

*. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران.
**. کارشناسی ارشد علوم سیاسی.
تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۳۰

است. دیرزمانی عراق جزئی از قلمرو امپراتوری ایران محسوب می‌شد اما آنان پس از حمله اعراب به ایران موفق شدند این منطقه را از حاکمیت ایران بیرون آورند. عراق تا مدت‌ها جزئی از امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد تا اینکه در جریان جنگ جهانی اول از آن جدا شد. در تحقیقات انجام شده پیرامون رابطه دو کشور ایران و عراق بیشتر به بررسی عوامل دولتی دو کشور پرداخته شده است. (برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: برزگر، ۱۳۸۸؛ ایروانی، ۱۳۸۸؛ صالحی، ۱۳۹۰؛ یکتا، ۱۳۸۱؛ جهانگرد، ۱۳۸۳؛ دهنوی، ۱۳۸۳) اما ما در این مقاله تلاش کردیم تا بیشتر به بررسی روابط رابط فرهنگی دو کشور بپردازیم. روابط دو کشور از سال ۱۹۲۰ و همزمان با جدایی این کشور از امپراتوری عثمانی شروع شد و همواره تحت تأثیر عوامل مرزی، اقوام جدایی‌طلب، اختلافات مذهبی، عدم ثبات در وضعیت داخلی و ... قرار داشت.

در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و فرضیه‌آزما و با الهام از نظریه همگرایی کارل دویچ به بررسی تأثیر روابط فرهنگی بر روابط سیاسی پرداخته شده است. (بررسی موردی ایران و عراق) روابط فرهنگی گسترده‌ای که شامل اشتراکات مذهبی، روابط زوار، زیارتگاه‌های دو کشور، حوزه‌های علمیه، پناهنده شدن شیعیان در کشور دیگری به فراخور وضعیت داخلی کشورها و ... می‌شود. در پایان مقاله نیز اثر روابط فرهنگی دو کشور بر روابط دولتی که در سال‌های اخیر منجر به نتایج مختلفی شده است، مطرح خواهد شد. تشابه فرهنگی، تأثیرات انقلاب اسلامی از سال ۵۷، حضور بسیاری از بزرگان سیاسی و مذهبی عراق در ایران، وجود اماکن مقدس زیارتی در هر دو کشور، پناهندگان، روابط حوزه‌های علمیه و ... نمونه‌ای از روابط فرهنگی ایران و عراق است.

فرضیه اصلی مقاله این است که هر چه روابط فرهنگی و متأثر از آن، ارتباطات اجتماعی میان ملت‌های دو یا چند کشور بیشتر باشد، امکان همگرایی سیاسی میان آن دولت‌ها بیشتر می‌شود. این فرضیه در قالب مطالعه موردی روابط خارجی ایران و عراق بررسی شده است.

بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مناطق تأثیرگذار بر رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران، منطقه بین‌النهرین است. در اهمیت این منطقه همین بس که در مقایسه با دیگر کشورهای مجاور ایران در طول صدها و یا شاید هزاران سال گذشته، بیشترین تأثیر را بر رویدادها و تحولات ایران گذاشته و متقابلاً تأثیرات زیادی را از وقایع ایران گرفته است. علاوه بر این وجود یک حکومت واحد بر دو منطقه ایران و بین‌النهرین ارتباطات و تبادلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن دو را با یکدیگر به مراتب افزون‌تر ساخته است. (کوهستانی، ۱۳۸۴: ۸ - ۷)

آنچه در نگاهی موشکافانه پیرامون رابطه ایران و عراق به نظر می‌رسد این است که باید بین مردم و حاکمان دو کشور تفاوت قائل شد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد از زمان‌های بسیار دور (زمان امپراتوری عثمانی) تا به حال، نظر واحدی بر مردم و حاکمان دو کشور درباره رابطه دو کشور وجود نداشته است. روابط دولتی دو کشور بعد از جدایی عراق از امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۰ تاکنون دارای افت و خیزهای فراوانی بوده است. روابطی که همواره تحت‌الشعاع اختلافات مرزی بوده و هیچ‌گاه در طول تاریخ ۱۰۰ سال گذشته طرفین از پایداری توافقات خود مطمئن نبودند. به همین دلیل در بررسی رابطه ایران و عراق ما معتقد به لزوم جدایی دو سطح رسمی و غیررسمی از یکدیگر هستیم. اختلافات قدیمی و کهنه باعث شد تا روابط دو کشور همواره تحت تأثیر اختلافات مرزی و ژئوپلیتیکی باشد. به همین دلیل تا قبل از سال ۲۰۰۳ و سقوط حاکمیت حزب بعث در عراق، اولیت‌های دو کشور در روابط دوجانبه از سطوح امنیتی فراتر نمی‌رفت. اما پس از سقوط حزب بعث و متأثر از اقدامات فرهنگی که پس از وقوع انقلاب اسلامی در عراق انجام شد، روابط دو کشور از سطوح امنیتی به روابط دوستانه سیاسی ارتقا پیدا کرد. در پایان مقاله مدل پیشنهادی خود پیرامون روابط سیاسی و فرهنگی دو کشور مطرح شده و در نهایت نیز پیشنهاداتی برای ارتقاء هر چه بیشتر روابط دو کشور ارائه خواهد شد.

چارچوب نظری

اتحادیه‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای در طول تاریخ همواره میان قبایل، اقوام، دولت - شهرها و هم‌اکنون در میان دولت - ملت‌ها سابقه داشته است. اساساً برقراری ائتلاف، در طول تاریخ بیشتر در برابر دشمن مشترک و کمتر برای هدف منفعت مشترک، ریشه‌ای روان‌شناختی دارد. حتی در زندگی روزمره نیز می‌بینیم که دو دوست علیه یک دشمن، دو یا چند همکار علیه همکار جدید یا رئیس اداره و یا دو همسایه علیه همسایه دیگر، دست به همکاری و ائتلاف می‌زنند. در برابر ادبیات بین‌الملل‌گرا و جهانی‌گرایی مارکسیسم و لیبرالیسم، تعدادی از اندیشمندان از قبیل دیوید میتزانی، کارل دویچ، اتزوینی و ارنست هاس بر معقول و قابل اجرا بودن منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای تأکید کرده‌اند. در این میان کارل دویچ نقش بسزایی در تولید ادبیات همگرایی منطقه‌ای ایفا کرده است. وی با ترکیب ایده‌های منطقه‌گرایانه با نظریه سیبرنتیک ریاضی و نظریه عمومی سیستم‌ها، تحولی را در متون همگرایی منطقه‌ای به وجود آورده است. با نگاهی به آرای نویسندگان منطقه‌گرا پنج ویژگی مشترک را می‌توان استنباط کرد:

۱. نگاه فرایندی Process به پدیده همگرایی؛ ۲. اهمیت ارتباطات انسانی؛ ۳. میزان همسویی و

درونی‌سازی ارزش‌های همگرایی؛ ۴. سرایت‌کنندگی ارزش‌های مثبت از یک واحد به واحد کارکردی دیگر؛ ۵. همگرایی پدیده‌ای چند بعدی است. (دوئرتی و دیگران، ۱۳۷۲)

دویچ معتقد است ارتباطات انسانی و مبادلات فرهنگی - تاریخی میان جوامع، در همگرایی تأثیر قابل توجهی دارد. وی در تعبیری جالب، مرز را آنجایی می‌داند که میزان تراکم جمعیت و ارتباطات شدیداً افت می‌کند. در مجموع می‌توان سبک زندگی مشترک، پیوند خوردن سیاسی - اقتصادی و امنیتی، تبدیل سریع نهادهای سابق حقوقی - اداری به نهادهای جدی در تطبیق با شرایط همگرایی جدید و وجود یک قدرت اقتصادی و سیاسی بسیار قدرتمند برای ایفای نقش محوری و رهبری را عمده شرایط شکل‌گیری یک نظام همگرا دانست.

از مطالعه آرای دویچ و هم‌فکران وی معلوم می‌شود که نقشی برای فرهنگ به منظور همگرایی سیاسی واحدهای سیاسی قائل هستند. با وجود این، در نظریه ایشان که با توجه به تجربه اروپایی به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم طراحی شده است، تأکید محوری و اصلی بر همکاری‌های اقتصادی است. هر میزان که روابط اقتصادی میان دو یا چند بازیگر بیشتر گردد، امکان همگرایی سیاسی میان آنها بیشتر می‌شود.

در منطقه خاورمیانه، به رغم فراگیر و حجیم نبودن روابط اقتصادی میان واحدهای سیاسی، ارتباطات نزدیک امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بالایی به ویژه در میان بازیگران عرب منطقه مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که عنصر فرهنگی و هویتی مشترک میان کشورهای خاورمیانه به طور کل و اعراب به طور خاص، زمینه نزدیکی در روابط رسمی سیاسی را ایجاد کرده است. در این مقاله تلاش می‌شود که با حفظ اصول کلی نظریه همگرایی منطقه‌ای دویچ، تأکید بر روی عنصر فرهنگی به نسبت دیگر عناصر قرار گیرد. از این رو فرضیه این مقاله این است که هر چه روابط فرهنگی و متأثر از آن، ارتباطات اجتماعی میان ملت‌های دو یا چند کشور بیشتر باشد، امکان همگرایی سیاسی میان آن دولت‌ها بیشتر می‌شود. نویسندگان این فرضیه را در قالب مطالعه موردی روابط خارجی ایران و عراق بررسی می‌کنند.

روش تحقیق

از جمله ویژگی‌های مطالعه علمی که هدفش حقیقت‌یابی است استفاده از یک روش تحقیق مناسب می‌باشد و انتخاب روش تحقیق مناسب به هدف‌ها، ماهیت و موضوع مورد تحقیق و امکانات اجرایی بستگی دارد و هدف از تحقیق دسترسی دقیق و آسان به پاسخ پرسش‌های تحقیق است. (خاکی، ۱۳۷۹)

اهمیت این بخش در آن است که محققان از طریق آن می‌توانند، یک نوع تحقیق خاص را دوباره

انجام داده و نتایج را با یکدیگر مقایسه کنند. بنابراین، لازم است که محققان توجه خاصی را به این بخش می‌ذول داشته و به طور شفاف و مبسوط چگونگی انجام کار را مورد بحث قرار دهند تا محققان بعدی، در صورت تمایل، بتوانند با به کار بردن همان روش تحقیق، یک پژوهش را دوباره مورد بررسی و آزمون قرار دهند.

روشی که در تألیف این مقاله استفاده شده است روش کتابخانه‌ای و فرضیه‌آزما است. نویسندگان در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به آزمون فرضیه اصلی خود پرداخته‌اند. قابل ذکر است که این مقاله به صورت مطالعه موردی و صرفاً برای بررسی روابط ایران و عراق تدوین شده است که با مطالعه روابط بیشتری از کشورها قابل تعمیم به موارد بیشتری خواهد بود.

بررسی مختصر روابط رسمی دو کشور

نخستین آشنایی و مراودات بین دو کشور ایران و عراق به سال‌های ۱۳۰۸ و اعزام نخستین هیئت از سوی پادشاه عراق به ایران برمی‌گردد. روزهایی که ارتباط دو کشور در حد همین روابط مختصر دیپلماتیک خلاصه می‌شد؛ چراکه از همان روزهای ابتدایی جدایی عراق از امپراتوری عثمانی همواره سایه اختلافات مرزی بر روابط دو کشور عراق و ایران سایه انداخته بود. به عبارتی، عمده‌ترین عنصری که در طول تاریخ همواره موجب درگیری دو کشور بوده، اختلافات مرزی است. در برخی از موارد نیز دخالت دولت‌های خارجی به ویژه انگلستان غلظت اختلافات را دو چندان می‌کرد. از ابتدا چهار عهدنامه قصر شیرین (۱۶۳۹)، گردان (۱۷۴۶)، ارزروم اول (۱۸۲۳) و ارزروم دوم (۱۸۴۷) مبنای کلیه گفتگوها و معاهدات میان دو کشور بر سر تحدید حدود مرزها در دوره معاصر قرار گرفت.

بررسی مختصر اختلافات دو کشور

یکی از مهم‌ترین نقاط چالش برانگیز دو کشور مربوط به اختلافات ارضی است. برای حل این اختلاف مطابق ماده ۲ پروتکل ۱۹۱۳، کمیسونی متشکل از چهار کشور روسیه، انگلستان، ایران و عثمانی برای تعیین حدود مرزهای دو کشور و علامت‌گذاری آنها تشکیل گردید. در نتیجه، این کمیسیون ۷۰۰ مایل از اراضی متعلق به ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین را به دولت عثمانی واگذار کرد. این اراضی بعدها به نام اراضی انتقالی معروف شد که معادن مهم نفت نیز در آنجا کشف شد. بخش دوم اختلافات دو کشور مربوط به نحوه تقسیم رودخانه مرزی اروندرود است. عراق که تنها کانال ارتباطی آن با دنیای خارج همین رودخانه مرزی است همواره سعی داشته تا این رودخانه را به یک رودخانه داخلی برای خود تبدیل کند. به همین دلیل این موضوع همواره باعث درگیری و تنش بین دو کشور بوده است. (تیشه‌یار، ۱۳۸۴: ۱۳۳)

در سال ۱۹۵۸ درحالی که دو کشور اقداماتی را در جهت رسیدن به توافقات مرزی انجام داده بودند، کودتای عبدالکریم قاسم، همه تلاش‌های هیئت‌های ایرانی و عراقی را که تلاش می‌کردند اختلافات مرزی را حل کنند، از بین برد. شاه ایران نیز اعلام کرد که رودی که بین دو کشور است نمی‌تواند مورد استفاده یکجانبه قرار گیرد و متعلق به هر دو کشور است. این سخن، واکنش تند عبدالکریم قاسم را در پی داشت و وی با یادآوری واگذاری پنج کیلومتر از شط عرب به ایران، اظهار داشت که آن را به عنوان بخشش به ایران داده است و چنانچه مسائل مرزی بین دو کشور حل نشود، آن محدوده اهدا شده، به مادر میهن باز خواهد گشت. (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۳۸)

از دیگر مواردی که منجر به بروز مجدد اختلافات بین دو کشور شد، اقدامی از سوی ایران بود که تأسیسات بندری خسروآباد در ساحل شرقی شطالعرب را در اختیار شرکت نفتی پان امریکن که با ایران قرارداد کشف و استخراج نفت داشت قرار داد. دولت عراق نیز در همان سال (۱۹۵۹) ورود کشتی شرکت پان امریکن از دهانه شط به آن بندر را ممنوع کرد و اعلام داشت که خسروآباد را به عنوان یک بندر نمی‌شناسد. (همان: ۱۳۸)

نگرانی دیگر ایران از عراق، تلاش دولت عبدالکریم قاسم و پس از او حکومت بعث عراق برای تغییر نام خلیج فارس به نام ساختگی خلیج عربی بود. ایران این دعاوی را نه تنها خطری برای امنیت ملی قلمداد می‌کرد بلکه عاملی برای تهدید هویت ایرانیان به حساب می‌آوردند. (شیرازی، ۱۳۸۴: ۳۴)

موضوع دیگری که رابطه دو کشور را تیره‌تر کرد، اختلاف دولت عراق با کردهای بازرانی در سال ۱۳۳۴ (۱۹۶۵ م) و تجاوز عراقی‌ها به مرزهای ایران بود. این مسئله باعث اعتراض شدید ایران شد. در پی این درگیری دولت عراق کلیه امور اداری شطالعرب و تعیین مبلغ حق‌الزحمه و چگونگی مصرف آنها را به تنهایی و بدون اطلاع ایران انجام می‌داد. در ۱۳۴۸ (آوریل ۱۹۶۹) اختلافات دو کشور بالا گرفت. دولت عراق اعلام کرد شطالعرب را جزئی از قلمرو خود می‌داند و کشتی‌های ایرانی حق ندارند با پرچم ایران و کارکنان ایرانی وارد این منطقه شوند. در این صورت با قوه قهریه با آنان برخورد خواهد شد. ایران نیز پس از این اظهارات ضمن اتخاذ مواضع محکم، اعلام کرد که به هیچ کس اجازه اقدامات تجاوزکارانه را نخواهد داد. پس از این تنش‌ها بود که نیروهای نظامی در مرز هر دو کشور به حالت آماده باش درآمدند. (همان: ۱۴۱ - ۱۳۸)

در فاصله سال‌های پس از شکل‌گیری عراق، مدام اختلافات مرزی بین ایران و عراق قوت می‌گرفت و بعضاً نیز به نتایج امیدبخشی منتج می‌شد، اما هیچ کدام از اینها نتوانست پایدار بماند. یکی از ابعاد متضاد ایدئولوژیک بین دو کشور مسئله متحد کردن سرزمین‌های عربی بود. ناسیونالیست‌های عرب معتقد بودند که مرزها بین کشورهای عربی باید برچیده شود و تمام اراضی

اعراب تحت حاکمیت دولتی واحد قرار گیرد. شاه با این مسئله مخالف بود؛ چراکه اگر چنین هدفی محقق می‌شد کشور ایران نفوذ و قدرت خود در منطقه را از دست می‌داد. یکی دیگر از اختلافات ایران و عراق بر سر مسئله فلسطین بود. رژیم عراق اسرائیل را غاصب سرزمین فلسطین و بزرگ‌ترین دشمن اعراب به حساب می‌آورد. از سوی دیگر دولت ایران از دهه ۱۹۵۰ به بعد وارد فاز اتحاد سیاسی نزدیکی با اسرائیل شده بود. انگیزه اصلی هر دو کشور نیز نزدیکی به کشور آمریکا و مخالفت سرسختانه با کشورهای ناسیونالیست عرب و اتحاد شوروی بود. (شیرازی، ۱۳۸۴: ۳۲)

عراق پس از آنکه ایران، در آوریل ۱۹۶۹، قرارداد ۱۹۳۷ را به علت تخلفات مکرر عراق لغو کرد، جنبش آزادی‌بخش عربستان که منظور همان خوزستان است را تشکیل داد و کوشید با حمایت‌های مالی و نظامی به آنها برای دولت ایران چالش ایجاد کند. احمد حسن البکر رئیس‌جمهور وقت عراق در سخنرانی خود در ژوئیه ۱۹۷۴ م اظهار داشت که عراق یک پایگاه محکم انقلابی و یک دژ تسخیرناپذیر برای حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش عرب است و به عنوان یک راهنما برای تمام قیام‌های مسلحانه در وطن عربی ما عمل می‌کند. (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۱۲۳)

مسئله اقوام مرزنشین یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف بین ایران و عراق بود. مناطق شمالی مرز ایران و عراق، سرزمین اقوام کرد عراق محسوب می‌شود. سیاست هر دو کشور در دوران معاصر عبارت بود از کنترل اکراد در داخل کشور و تهییج اکراد کشورهای همسایه علیه دولت مرکزی. نمونه عینی این سیاست را می‌توان در نیمه اول ۱۹۷۰ میلادی مشاهده کرد. در آن هنگام شاه ایران علی‌رغم اینکه به شدت فعالیت‌های قومی داخل را تحت کنترل درآورده بود، اما به طور گسترده‌ای از حزب دموکرات کردستان عراق حمایت می‌کرد و مقادیر متنابهی سلاح در جنگ میان پیشمرگان کرد و دولت مرکزی در اختیارشان قرار می‌داد. این سیاست اگرچه در پی انعقاد عهدنامه ۱۹۷۵ بین دو کشور از سوی حکومت پهلوی متوقف شد، اما همین سیاست در دوران جمهوری اسلامی و به ویژه در دوران جنگ بین دو کشور، از سوی مسئولان دنبال شد. از طرف دیگر عراق نیز بر همین سیاست پافشاری می‌کرد. دولت عراق نیز از سوی دیگر ضمن حمایت از جنبش‌های کردی در داخل ایران، بر روی جذب اعراب ایرانی ساکن در بخش‌های جنوبی مرز مشترک دو کشور تمرکز کرده بود. (تیشه‌یار، ۱۳۸۴: ۱۳۴)

اخراج عده زیادی از ایرانیان تبعه عراق از این کشور و تلاش رهبران بعثی برای دامن زدن به احساسات پان‌عربیستی در ایران نیز منجر به حمایت گسترده ایران از اکراد این کشور در مقابل حکومت مرکزی شد که این رفتارها باعث شد همچنان جنگ سردی بین دو کشور حکمفرما باشد. (همان: ۱۲۴) صدام بارها به پان‌عرب بودن خود اعتراف کرده بود. وی به طور مستمر جنایت‌هایی علیه شیعیان، کردها و دیگر اقوام عراقی در این راستا انجام می‌داد و از سوی دیگر تلاش می‌کرد به

انحاء مختلف کشورهای عرب و سنی همسایه را به سمت خود جذب کند. (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

در ۶ مارس ۱۹۷۵ در پی ملاقات رهبران دو کشور در الجزیره دوران تازه‌ای در روابط دو کشور بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ آغاز شد. به این ترتیب با انعقاد این قرارداد و پایان دادن حمایت‌های ایران از اکراد عراق دوران تنش‌زدایی در روابط دو کشور آغاز شد. اما این بار نیز این توافق نتوانست پایدار بماند و به زودی دوران تازه‌ای از تنش‌های شدیدتر در روابط دو کشور شروع شد. این بار تحولات داخلی درون کشورها آغازگر تنش بود. کودتا در عراق باعث برکناری البکر و بسیاری از رهبران قدیمی شد و سکان هدایت کشور به دست صدام حسین سپرده شد. از سوی دیگر در ایران نیز حکومت پهلوی در سال ۱۹۷۹ توسط انقلاب اسلامی از بین رفت و معادلات منطقه‌ای به هم خورد. صدام که وضعیت ایران و قوای نظامی آن را بی‌ثبات می‌دید و انقلاب اسلامی را نیز تهدیدی علیه خود تلقی می‌کرد، در پی تسلط حاکمیت خود بر اروندرود و سیطره بر خلیج استراتژیک فارس افتاد. در همین راستا عراق شروع به تقویت کردهای جدایی‌طلب ایران کرد و با ارسال اسلحه و پول، کمک قابل ملاحظه‌ای به آنان کرد. از سوی دیگر نیز ایران ضمن واکنش شدید نسبت به این اقدام قبل از هر چیز شیعیان عراق را به مقاومت در برابر صدام تشویق کرد. پس از کنش و واکنش‌ها، عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ را لغو و به ایران حمله کرد. (همان: ۱۲۶)

همان‌طور که مشاهده شد، تاریخ روابط دو کشور پر از نقاط اختلاف و تنش و درگیری است. اختلافاتی که هر روز رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرد. گاهی در قالب بیانیه و ایراد سخنرانی از سوی مسئولان، گاهی در قالب آماده باش نظامی در مرزها، خط و نشان کشیدن رؤسای دو طرف بر یکدیگر و گاهی نیز در قالب شکایت به نهادهای بین‌المللی. نکته مهم در روابط دو کشور، این است که از زمان شکل‌گیری عراق در سال ۱۹۲۰ م همواره روابط دو کشور در حاله‌ای از اختناق، تنش، تهدید و بدبینی دنبال می‌شد. اگر هم هر از گاهی توافقی بین آن دو کشور به وجود می‌آمد، موقتی بود و بیم آن می‌رفت که با کوچکترین اتفاقی این توافق از بین برود و درگیری و اختلاف دوباره شروع شود.

نهایتاً پس از حمله عراق به ایران، تمام روابط دو کشور قطع شد و سطح روابط دو کشور به بدترین نوع خود در طول تاریخ رسید. جنگ بین دو کشور به مدت ۸ سال به طول انجامید و ایران و عراق در این مدت هزینه بسیار زیادی را متحمل شدند. این درگیری که در اواخر حالت فرسایشی به خود گرفته بود، سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان در تاریخ ۲ اوت ۱۹۸۸ با امضای قطعنامه ۵۹۸ پایان پذیرفت و صلح ناپایدار و به عبارت بهتر حالت نه جنگ - نه صلحی بین دو کشور برقرار شد.

چند روز پس از این توافق، عراق به کشور کویت حمله کرد و توانست ظرف ۳ روز آن کشور را به تصرف خود درآورد. این اتفاق به نوعی برای ایران مطلوب بود و ایران اولین کشوری بود که از

این حمله بهره‌مند شد؛ چراکه از یک طرف عراق از همه مطالباتش دست برداشت و از طرف دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس نیز با ماهیت واقعی رژیم صدام آشنا شدند و همچنین در نشست دوحه قطر در سال ۱۹۹۰ بر بهبود روابط خود با ایران تأکید کردند. بسیاری از کشورهایی که پیش از این از عراق در جنگ علیه ایران حمایت کرده بودند، از موضع خود بازگشتند. به ویژه پس از اینکه ایران در مواجهه با عراق، خود را ملزم به رعایت قراردادها و موازین بین‌المللی اعلام کرد. (نجفی، ۱۳۸۷: ۳۰۴)

بررسی روابط فرهنگی

مردم ایران و عراق در روزهای بسیار دور هر دو جزء یک قلمرو بودند و دارای تشابهات فرهنگی با یکدیگر هستند. همین قرابت و نزدیکی، مردم دو کشور را روز به روز علی‌رغم اختلافات رسمی دو کشور به یکدیگر نزدیکتر می‌کرد. برخلاف روابط رسمی ایران و عراق که در طول تاریخ همواره تیره و تار بوده است، روابط غیر رسمی و غیر دولتی دو کشور یادآور خاطرات خوب و امیدوارکننده‌ای است. روابطی که هرگاه توسط عوامل حکومتی و بیرونی، تهدید نمی‌شد همواره مثبت و روبه‌جلو بود و مردم دو کشور خواهان ارتقاء آن بودند.

در ادامه به بررسی موارد غیررسمی و غیر دولتی می‌پردازیم که در ارتقاء روابط دو کشور تأثیر داشته و نهایتاً هم منجر به بهبود روابط رسمی دو کشور شد.

۱. روابط مذهبی بین دو کشور

مذهب تشیع در طول تاریخ همواره باعث نزدیکی مردم دو کشور به یکدیگر شده است. از آنجا که ایرانیان و اکثر مردم عراق از مذهب تشیع پیروی می‌کنند، این عنصر همواره باعث ارتقاء رابطه و نزدیکی فرهنگی مردم دو کشور به یکدیگر شده است. عدم وجود دولت شیعی دیگر در منطقه نیز باعث اهمیت مضاعف این عامل شده است. در دوره افشاریه و اوائل قاجاریه مرکزیت شیعه از ایران به عراق منتقل شد. در عراق نیز نجف از محوریت علمی برخوردار بود؛ چندان که ایرانی‌ها علاقه‌مند بودند برای تحصیل به آنجا بروند. مجتهدان شیعی که در خارج از ایران زندگی می‌کردند، از سیطره نفوذ و نظارت قاجاریه به دور بودند و همچنین به دلایل مذهبی، زیر نظر سلاطین عثمانی نیز نبودند. این وضعیت به آنان قدرت قابل توجهی داده بود. نفوذ و اثرگذاری این قدرت در جریان تحریم تنباکو و سپس مشروطه خود را نشان داد. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۷)

۲. زائران عتبات عالیات

از زمان‌های گذشته مردم ایران برای زیارت عتبات عالیات حاضر بودند سخت‌ترین شرایط را تحمل کنند.

عتبات عالیات شهرهای نجف، کربلا و کاظمین و سامرا را در بر می‌گیرد که شامل قبور مطهر امام حسین، امام علی، امام هادی، امام حسن، امام موسی کاظم، امام جواد و حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌شود. قبور مطهر ائمه معصومین علیهم السلام در طول تاریخ همواره بشتین انگیزه را برای حضور شیعیان ایرانی در عراق فراهم کرده است، به طوری که بسیاری از مردم حاضر بودند با به خطر انداختن جانشان، خود را به عراق برسانند و یا حتی برای همیشه در آنجا ساکن شوند.

در برخی از گزارش‌ها تعداد ایرانیانی که پس از جنگ جهانی اول، هرساله به عراق مسافرت می‌کردند را حدود ۴۰ - ۵۰ هزار نفر ذکر می‌کند. تعدادی از افرادی که به عراق می‌رفتند نیز به دلایل مختلف (قبور مطهر ائمه معصومین علیهم السلام، تجارت، استیصال یا درماندگی در سفر) به ایران بازمی‌گشتند و در عراق به زندگی خود ادامه می‌دادند. برخی گزارش‌ها تعداد این افراد را یک دهم ایرانیانی می‌داند که هرساله به عراق مسافرت می‌کردند. (کوهستانی، ۱۳۸۴: ۶۸ - ۶۷؛ جعفریان، ۱۳۸۶: ۴۰)

تعداد زائران ایرانی بیشتر تحت‌الشعاع روابط رسمی دو کشور بود. زمانی که صلح نسبی بین دو کشور حاکم بود، زائران برای مسافرت با مشکلات کمتری مواجه بودند و به همین علت تعداد بیشتری از ایران به کشور عراق مسافرت می‌کردند. اما زمانی که تنش و اختلاف بر روابط دو کشور حاکم می‌شد، مقامات هر دو کشور معمولاً موانعی را بر سر راه زائران قرار می‌دادند.

پس از وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال حمله عراق به ایران، روابط دو کشور در بدترین شرایط ممکن قرار گرفت و همه روابط گذشته قطع شد. این روند سال‌ها پس از جنگ نیز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۹۷ عراق مرزهای خود را به روی زائران ایرانی گشود و ایرانیان توانستند پس از سال‌ها به صورت معهود به کشور عراق و عتبات عالیات مسافرت کنند. (تیشه یار، ۱۳۸۴: ۱۳۱)

این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۰۳ و در پی حمله آمریکا و متحدانش به عراق، صدام حسین سقوط کرد و یک نظام دموکراتیک در عراق شکل گرفت. پس از سقوط صدام روند ورود زائران به کشور عراق افزایش یافت. تا جایی که طبق آمارهای اعلام شده از سوی مسئولین در سال ۱۳۹۰ تعداد یک میلیون و پانصد هزار زائر ایرانی به کشور عراق سفر کردند. ورود زائران ایرانی به عراق از مرزهای هوایی و دو مرز زمینی مه‌ران و خسروی انجام می‌شود. البته تعداد افراد متقاضی برای سفر به عتبات بیشتر از این تعداد است و این تعداد زائر نیز از طریق قرعه کشی در سازمان حج زیارت انتخاب می‌شوند. (سایت سازمان حج و زیارت)

حضور ایرانیان در عراق باعث آشنایی دو طرف با فرهنگ یکدیگر شده و نزدیکی بیش از پیش را موجب می‌شود. حضور ایرانیان طبق اظهار نظرهای زائران و تجارب شخصی افراد مختلف، با استقبال فراوان گروه‌های شیعی‌مذهب عراق همراه بوده است به طوری که زائران ایرانی پس از

بازگشت به ایران از نحوه برخورد عراقی‌ها ابراز خرسندی و رضایت‌مندی می‌کنند. این امر با توجه به عدم اقبال مناسب از سوی عرب‌های دیگر کشورها به ویژه عربستان، به دلیل تفاوت‌های مذهبی، می‌تواند شایان توجه باشد.

۳. ایران مأمّن شیعیان عراق

یکی از مواردی که بر روابط ایران و عراق تأثیر بسیار مثبتی گذاشت، حضور طیف گسترده‌ای از شیعیان عراقی بود که همزمان با آغاز حمله عراق به ایران، از طرف صدام مورد تهدید واقع شدند و به همین دلیل به ایران مهاجرت کردند. این افراد در سال ۲۰۰۳ و همزمان با حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام و از بین رفتن تسلط حزب بعث بر عراق به کشور خودشان بازگشتند و توانستند در یک فرایند دموکراتیک به بالاترین پست‌های سیاسی و اجرایی کشور عراق دست پیدا کنند. این امر یعنی ورود شیعیان به فرایند قدرت آن هم در یک فرایند کاملاً دموکراتیک چیزی بود که دولتمردان آمریکایی نیز مجبور به پذیرش آن شدند و اعلام کردند که حضور شیعیان در رأس قدرت لزوماً با منافع آمریکا در تضاد نیست. (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۲/۸/۳۰) البته در ابتدا برای آمریکایی‌ها سخت بود که با این شرایط کنار بیایند. برمر حاکم آمریکایی عراق اعلام کرده بود زمانی انتخابات عمومی در عراق برگزار می‌کنیم که منافع ما تأمین شود. اما نهایتاً و پس از اعمال فشار از سوی مراجع عراق به ویژه آیت‌الله سیستانی و همچنین مردم از طریق تظاهرات گسترده، آمریکایی‌ها مجبور شدند به این خواسته تن دهند. (تلاشان، ۱۳۸۹: ۱۱۷)

طبق برخی از گزارش‌ها از زمان آغاز اخراج شیعیان در سال ۱۹۷۲، ایران تقریباً به ۷۰۰ هزار نفر از آنان پناه داده است. به همین سبب عراقی‌ها خود را مدیون ایران می‌دانند. این در حالی است که طی دهه‌های گذشته، عراق میزبان روحانیون و خانواده‌های بازرگان ایرانی بود که به دلیل مسائل داخلی عراق، از اواخر دهه ۷۰ به بعد، ایران نقش میزبان را برای عراقی‌های ناراضی از حاکمیت به عهده گرفت. (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

سخت‌گیری‌های حزب بعث و صدام نسبت به حزب الدعوة و صدور حکم اعدام برخی از آنان، منجر به ورود اعضای باقی مانده این گروه به ایران شد. عضویت در این گروه حکم مرگ را داشت؛ سرنوشتی که در سال ۱۹۸۴، تعداد ۶۰۰ نفر از عراقی‌ها به آن دچار شدند. (مار، ۱۳۸۰: ۴۵۲) محمدباقر حکیم از جمله کسانی بود که پس از آزادی از زندان به بهانه مسافرت، از عراق به سوریه و سپس با کمک دیگر اعضای حزب از جمله سید حسن شبر وارد ایران شد. امام خمینی ره احترام زیادی به وی گذاشت و همین امر باعث تأسیس تشکیلات مستقل مجلس اعلی در اکتبر سال ۱۹۸۲

در تهران شد. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۰۶) ابراهیم جعفری نخست‌وزیر سابق عراق نیز به مدت چهار سال در ایران علیه صدام و حزب بعث فعالیت می‌کرد. (نادری‌دوست، ۱۳۸۶: ۲۶۴) افرادی که از عراق فرار کرده و به ایران آمدند به چند کار مشغول شدند:

الف) تعدادی از آنها با حضور در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، سپاه بدر را تشکیل دادند. در همین راستا تعداد ده‌هزار نفر از شیعیان عراقی که در جنگ توسط ایران به اسارت درآمدند، خواهان پیوستن به سپاه بدر شدند. این سپاه پس از سقوط صدام و حزب بعث با جمعیتی بیش از ۱۵ هزار نفر دوباره به عراق بازگشت و به سرعت توانستند در عراق تعداد نیروهای خود را چند برابر کرده و در مقابل تهاجمات تروریستی مخالفان به مقاومت بپردازند. بخشی از اعضای سپاه بدر نیز با ورود به ارتش و پلیس عراق سازماندهی جدیدی پیدا کردند.

ب) برخی از عراقی‌ها پس از ورود به ایران به ایجاد تشکل‌های سیاسی - تبلیغاتی پرداختند. گروه‌هایی مانند حرکه المجاهدین، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و ... یکی از اقدامات مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق که در سال ۱۹۸۲ تشکیل شد، تأسیس سپاه بدر بود که در قسمت قبل توضیح داده شد.

ج) برخی از آنان نیز وارد حوزه‌های علمیه قم شدند و ضمن تحصیل علوم دینی به ترویج معارف دینی در میان شیعیان عراقی حاضر در ایران پرداختند و گاهی نیز در جبهه‌های جنگ حضور پیدا می‌کردند. پس از ۲۳ سال حضور شیعیان عراقی در ایران با سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ حدود پنج‌هزار طلبه عراقی که در حوزه علمیه قم تربیت شده بودند، سازماندهی شده و در قالب صدها کادر سیاسی که در قالب احزاب به ویژه مجلس اعلا آماده شده بودند وارد عراق شدند. طلاب عراقی پس از ورود به عراق توانستند به سرعت در استان‌ها، شهرها و حتی در روستاهای مناطق شیعه‌نشین که سال‌ها بود روحانی ندیده بودند حضور پیدا کنند و مساجد و حسینیه‌های عراقی‌ها را فعال کنند و به تأسیس نوارخانه، کتابخانه و ایجاد مراکز فرهنگی بپردازند. این حرکات‌ها به نوعی جبران‌کننده مهجوریت حوزه نجف بود. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۲۰)

بسیاری از سران مذهبی و سیاسی عراق، چندین سال از عمر خود را در ایران گذرانده و تحصیلات خود را در اینجا سپری کرده‌اند. حتی گفته می‌شود برخی از سران و مقامات بلند پایه عراق در مسائل دینی مقلد مراجع ایران هستند. آیت‌الله سید علی سیستانی که در حال حاضر برجسته‌ترین روحانی در عراق شناخته می‌شود، در ایران متولد شده است و تحصیلات اولیه خود را نیز در ایران گذرانده است. همچنین بسیاری از نزدیکان و مشاوران وی نیز از خانواده‌های ایرانی هستند و تحصیلات خود را در ایران گذرانده‌اند. گذشته از شخصیت‌های مذهبی، برخی از افراد طبقه

تاجر و بازرگانان نیز در ایران زندگی کرده و یا حتی خود ایرانی هستند. احمد چلبی نمونه‌ای از این بازرگانان است که از یک خانواده عراقی - ایرانی است. (نادری دوست، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

برخی از افراد کرد عراق نیز سال‌ها در ایران زندگی کرده و رابطه خوبی با ایران داشته‌اند. از همین رو می‌توان گفت با توجه به تأثیرپذیری اکراد و شیعیان از ایران بهترین مدل برای ایران این است که شیعیان به همراه اکراد عراق بازیگران اصلی عراق باشند؛ چراکه از یک طرف سیاست‌های این دو گروه به ایران نزدیکی دارد و از سوی دیگر هر قدر میل به تکثر در عراق بیشتر باشد رادیکالیسم نظامی در این کشور کاهش پیدا می‌کند. (زیباکلام و عبدالله پور، ۱۳۸۸: ۵۹)

۴. مبادلات فرهنگی

مردم ایران که در عراق رفت و آمد می‌کردند حامل فرهنگ ایرانی بودند و این امر باعث نزدیکی هرچه بیشتر فرهنگ دو کشور و همچنین مأنوس شدن آنان با یکدیگر می‌شد. ایرانی‌ها با زبان فارسی و همچنین فرهنگ ایرانی - اسلامی باعث ترویج فرهنگ ایرانی می‌شدند. از طرف دیگر نیز بسیاری از ایرانیان، از فرهنگ مردم عراق تأثیر پذیرفتند که نتیجه آن، نزدیکی و آشنایی مردم دو کشور با فرهنگ‌های یکدیگر بود.

به دلیل تعداد زیاد ایرانیان مقیم عراق، مدارس ایرانی از قدیم در شهرهای عراق تأسیس می‌شد و ایرانیان می‌توانستند در این مدارس کسب علم کنند. تأسیس نخستین مدرسه در خلال جریان مشروطه و زیر نظر آیت‌الله خراسانی شکل گرفت. مدارس دیگری به نام‌های مدرسه حسنی در کربلا، مدرسه شرافت در کاظمین، اخوت در بغداد تأسیس شدند که هزینه‌های این مدارس توسط دولت ایران پرداخت می‌شد. حتی لوازم‌التحریر و سایر امکانات آموزشی نیز برای این مدارس تهیه می‌شد. در دهه ۱۹۳۰ یک مدرسه در کاظمین، یکی در بغداد، یکی در بصره، یکی در کربلا و یکی هم در نجف تأسیس شد. در این سال‌ها تعداد محصلان در کربلا ۱۲۳ نفر، در نجف ۱۵۷ نفر و در مدرسه شرافت بغداد ۱۰۸ نفر بودند. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۵۰ - ۴۹)

۵. زائران ایرانی و رونق اقتصادی عراق

بررسی زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای عتبات عالیات، نشان می‌دهد که همواره ارتباط نزدیکی بین ورود زائران ایرانی و توسعه اجتماعی و اقتصادی این شهرها وجود داشته است. در طی قرن نوزدهم، اکثر زائران عتبات را ایرانیان تشکیل می‌دادند، به گونه‌ای که در قرن نوزدهم سالانه حدود صد هزار زائر ایرانی به قصد زیارت و راد عراق می‌شدند. حضور زائران علاوه بر رونق اقتصادی و تجاری عتبات، زمینه‌های اشتغال بخش‌هایی از جامعه شیعی عراق را فراهم می‌کرد. پس از سقوط

دولت صفویه و انتقال مراکز علمی و فقهی شیعه از اصفهان به شهرهای نجف و کربلا، توجه ایرانیان به عتبات عالیات افزایش یافت. هرچند به دنبال جنگ جهانی اول و استقلال عراق از امپراتوری عثمانی، به تدریج و تحت تأثیر عوامل مختلف از حضور زائران ایرانی کاسته شد.^۱ (وافر، ۱۳۸۹: ۳۰ - ۲۹)

حضور گسترده زائران ایرانی از دوران‌های گذشته تا کنون باعث شکوفایی و رونق اقتصاد عراق شده است. به طوری که در برخی از برهه‌ها که به دلایل مختلف حضور زائرین ایرانی در عراق با محدودیت مواجه می‌شد، برخی از مردم کسب و کار خود را از دست می‌دادند. برخی از ایرانیان نیز همواره با هدف‌های اقتصادی به عراق مسافرت کرده و با توجه به مناسب بودن شرایط اقتصادی در شهرهای زیارتی عراق، شروع به راه‌اندازی کسب و تجارت در این کشور می‌کردند.

یک گزارش رسمی، نشان می‌دهد که در حوالی سال‌های ۱۹۲۰ تعداد زیادی از ایرانیان به دلایل مختلف به عراق رفته و در آنجا ساکن می‌شدند. این دلایل شامل زیارت قبور ائمه معصومین (ع)، راه‌اندازی کسب و کار و تجارت در شهرهای زیارتی بود. همچنین تعدادی از مردم خوزستان که طرفدار شیخ خزعل بودند و تذکره ایرانی نیز نداشتند به علت وقوع جنگ جهانی، با مهاجرت به جنوب عراق شرایط کاری مناسبی را برای خود فراهم کردند. در بعضی از شهرها مانند نجف اشرف، کربلای معلی و کاظمین و خانقین، اکثر جمعیت با ایرانیان است که در عین حال زبان و اخلاق و آداب ایرانی خود را حفظ کرده‌اند. آمارها از تعداد ایرانیان در عراق متغیر است. برخی آمارها تعداد ایرانیان را در منطقه بین‌النهرین حدود نیم میلیون ذکر می‌کند. در حالی که بر اساس آمار رسمی که انگلیسی‌ها در سال ۱۹۱۹ از عراق دادند، تعداد ایرانیان را ۸۰ هزار نفر ذکر کرده است. مجله *حبل‌المتین* نیز تعداد ایرانیان را در عراق ۱۰۰ هزار نفر ذکر می‌کند. (جعفریان، ۱۳۸۶: ۴۱ - ۴۰)

۶. ساخت و ساز و آبادانی شهرهای زیارتی عراق توسط گروه‌های غیر دولتی ایران
پس از سقوط صدام و با توجه به وضع نامناسب اماکن زیارتی، ستاد بازسازی عتبات عالیات توسط جمعی از دوستاران اهل‌بیت (ع) با هدف سازماندهی کمک‌های خیرین و نیروهای متخصص داوطلب و مشارکت در امر بازسازی حرم‌های مطهر و کمک رسانی به مردم مظلوم عراق در سال ۸۲ تأسیس شد. این ستاد به سرعت شعبه‌های مختلفی را در سراسر کشور تأسیس کرد، به طوری که با گذشت اندک زمانی تعداد ۳۰۰ شعبه در شهرهای مختلف ایجاد شدند. این سازمان که برای پیشبرد اهداف

۱. از یک سو دولت عراق به منظور کاهش نفوذ ایران و تقویت جایگاه اقتصادی بغداد در برابر عتبات عالیات، تلاش کرد تا از ورود گسترده ایرانیان به عراق جلوگیری کند. از سوی دیگر نیز اعمال محدودیت زیارت عتبات از سوی رضاشاه منجر به کاهش مهاجرت و زیارت زائران ایرانی به عراق شد. (وافر، ۱۳۸۹: ۳)

خود از کمک‌های مالی مردمی و همچنین نیروی کاری و تخصصی مردمی استفاده می‌کند در این مدت توانسته است بیش از ۱۵۰ پروژه کوچک و بزرگ را در شهرهای نجف اشرف، کربلای معلا، کاظمین، سامرا و مسیب در زمینه‌های مرمت، بازسازی، نوسازی، خدمات فنی و مهندسی، اعزام نیروهای متخصص و پشتیبانی پروژه‌ها و خدمات IT، ایجاد مراکز درمانی و ... به ارزش تقریبی هزار میلیارد ریال به انجام برساند.

ایجاد استراحتگاه مسقف زائران، ساخت سقاخانه، اجرای کاشی معرق، مقاوم‌سازی و مرمت دیوار حرم مطهر در شهر نجف اشرف و همچنین احداث مجتمع خدماتی سیدالشهدا، بیمارستان ۱۲۰ تختخوابی امام زین‌العابدین علیه السلام، پروژه تأمین آب شیرین کن در کربلای معلا، مقاوم‌سازی و طلاکاری گنبد امام جواد علیه السلام، مرمت و مینا کاری و طلاکاری ضریح مطهر، مقاوم‌سازی و طلاکاری گلدسته‌های حرم مطهر در کاظمین، ایجاد پروژه سنگ‌کاری حرم مطهر امامین عسکریین علیه السلام، پروژه مقاوم‌سازی و طلاکاری گنبد در سامرا گوشه‌هایی از خدماتی است که ستاد بازسازی عتبات در این مدت در شهرهای زیارتی عراق ایجاد کرده است. همچنین نیروهایی که در این پروژه‌ها به کار گرفته می‌شوند از نیروهای داوطلب ایرانی هستند که به صورت رایگان در دوره‌های زمانی مختلف به کشور عراق برای انجام کارهای تخصصی و یا کارهای یدی اعزام می‌شوند. (بی‌نا، ۱۳۹۰)

اقدامات فرهنگی زمینه‌ساز اقدامات سیاسی پس از فروپاشی حزب بعث

با توجه به موارد گفته شده در قسمت قبل، عوامل غیردولتی دست به دست یکدیگر دادند تا بلافاصله پس از سقوط صدام و از بین رفتن حاکمیت حزب بعث، ایران بتواند با توجه به ارتباط قوی بین مردم دو کشور و مشابهت‌های فرهنگی و مذهبی، به سرعت ارتباط مؤثری را برقرار کرده و این پیش زمینه، مقدمه لازم را برای اقدامات دولتی فراهم آورد. شاید به جرأت بتوان گفت این اولین باری بود که در طول تاریخ، تعاملات دو کشور بر محور اتصالات طبیعی فرهنگی و سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌ها به طور همزمان قرار می‌گرفت. (برزگر، ۱۳۸۶: ۶۱)

در همین زمینه یکی از مواردی که به ایران در جهت ارتباط بهتر با عراق کمک کرد، موضع‌گیری مناسب ایران در قبال حمله آمریکا به عراق بود. ایران در این جریان ضمن محکوم کردن این اقدام از سوی آمریکا بی‌طرفی خود را اعلام کرد. علاوه بر آن وزارت خارجه ایران ستاد بحران عراق را ایجاد کرد و اعلام کرد حریم هوایی برای دولت‌های متخاصم بسته است. (فیروزی، ۱۳۸۳: ۲۳۶) به این ترتیب با از بین رفتن حاکمیت اقلیت اهل تسنن، بزرگترین چالش ایران در رابطه با عراق از بین رفت و با روی کار آمدن شیعیانی که خود سال‌ها در ایران زندگی کرده بودند،

بزرگترین فرصت ممکن برای ارتباط فعال با عراق به وجود آمد که می‌توان از آن به ماه غسل روابط ایران و عراق در طول تاریخ یاد کرد.

محمود احمدی نژاد اولین رئیس جمهور ایران در دوره جمهوری اسلامی بود که در سال ۲۰۰۸ و در شرایطی که ناامنی بر عراق سایه افکنده بود برای دیدار رسمی چند روزه به این کشور مسافرت کرد که نشان‌دهنده عمق روابط دو کشور بود. در همین زمینه جلال طالبانی رئیس جمهور وقت عراق از ایران به دلیل جنگ هشت ساله صدام علیه ایران عذرخواهی کرد. (برزگر، ۱۳۸۵)

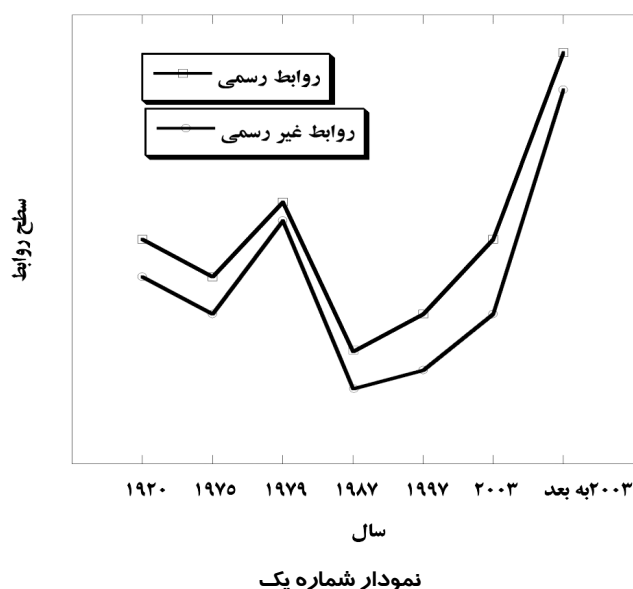
علاوه بر این، ایران ضمن حمایت از مردم عراق برای تعیین سرنوشت خود در یک فرایند دموکراتیک بر لزوم اداره و ایجاد امنیت در عراق تأکید می‌کرد. این روند تا آنجا ادامه پیدا کرد که ایران حاضر شد علی‌رغم جنایات‌های گسترده حزب بعث علیه ایران، موقتاً از گرفتن غرامت جنگی هشت سال تجاوز عراق که ایران مدعی است بالغ بر هزار میلیارد دلار است، چشم‌پوشی کند. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

در این شرایط بود که زمینه مناسب برای برقراری هرچه بهتر روابط در عرصه‌های دیگر از جمله اقتصادی، فرهنگی و ... نیز به وجود آمد. می‌توان گفت ایران در حال حاضر بیشترین سطح روابط اقتصادی را در طول تاریخ روابط خود با عراق برقرار کرده است؛ به طوری که اکنون عراق دومین شریک تجاری ایران در بین مقاصد صادراتی کشور در سال ۱۳۸۶ است. همچنین ۱۰ درصد از کل صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۸۶ به عراق صادر شده است. تعداد اقلام صادراتی ایران به عراق طی سال‌های اخیر افزایش یافته است، به طوری که در سال ۱۳۸۶ به ۶۷۱ قلم کالا رسیده است. این امر بیانگر نفوذ بالای اقتصادی ایران در بازارهای عراق است. (گزارش روابط اقتصادی وزارت بازرگانی، بی‌تا: ۲۸)

نتیجه

روابط سیاسی دو کشور ایران و عراق از نخستین روزهای جدایی این کشور از امپراتوری عثمانی تحت تأثیر اختلافات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی همواره در هاله‌ای از اختلاف و تنش بوده است. روابطی که همواره تحت تأثیر اقوام جدایی‌طلب، اختلافات مذهبی، اختلافات مرزی، ناسیونالیست عربی قرار داشته است. روابط دو کشور آن قدر سست و متأثر از اختلافات بود که هرگاه پس از مدت‌ها به یک توافق دوجانبه‌ای دست می‌یافتند به سرعت و با به وجود آمدن کوچکترین مشکلی توافق قبلی نقض شده و اختلافات شروع می‌شد. حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹، اختلافات دو کشور را به اوج رساند و باعث قطع تمام روابط دو کشور شد.

اما از سوی دیگر روابط فرهنگی دو کشور همواره وضعیت خوبی را پشت سر گذاشته است. به همین دلیل معتقدیم در بررسی روابط دو کشور باید بین روابط فرهنگی و سیاسی تفاوت قائل شد. روابط سیاسی دو کشور از زمان به وجود آمدن عراق تا قبل از حمله آمریکا به این کشور همواره متشنج بوده اما روابط فرهنگی دو کشور همواره در سطح قابل توجهی بوده است. موفقیت‌هایی هم که پس از سقوط صدام در روابط سیاسی به وجود آمد ناشی از تأثیرات خوب روابط فرهنگی دو کشور طی چند دهه قبل از آن بوده است. به عبارتی می‌توان گفت ایران در عراق توانست از طریق قدرت نرم موقعیت خود را حفظ و تثبیت کند. قدرت نرمی که به اعتقاد جوزف نای شیوه غیر مستقیم رسیدن به نتایج مطلوب آن هم بدون تهدید یا پاداش ملموس است. (متقی، ۱۳۸۵: ۴) به همین دلیل زمانی می‌تواند مؤثر باشد که برگرفته از درون نیروهای اجتماعی یک ملت باشد، نه اینکه توسط دولت‌ها هدایت شود. (کتابی و راستینه، ۱۳۸۸: ۲۷) اتفاقی که در رابطه با روابط دوجانبه ایران و عراق صدق می‌کند.



همان‌طور که در مدل^۱ به طور تقریبی مشاهده می‌شود، روابط فرهنگی بین دو کشور اگرچه

۱. منطق انتخاب سال‌ها در نمودار مذکور بر این اساس بوده است: ۱۹۲۰ به عنوان سال جدایی عراق از امپراتوری عثمانی؛ ۱۹۷۵ انعقاد یکی از مهم‌ترین معاهدات بین دو کشور که راه حل اختلافات مرزی به ویژه اروندرود در آن مطرح شد و همچنین این معاهده سرآغاز فصل جدیدی در روابط دو کشور بود؛ ۱۹۷۹ سال روی کار آمدن حزب بعث و صدام در عراق و همچنین تقارن نزدیک با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پس از آن حمله عراق به ایران و جنگ هشت ساله؛ ۱۹۸۷ پایان جنگ؛ ۱۹۹۷ آغاز مذاکرات دو کشور پس از جنگ و شروع تبادل اسرا و تردد زائرین دو کشور؛ ۲۰۰۳ حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام و حزب بعث.

تأخیری تحت تأثیر عوامل دولتی بوده است، اما همواره وضعیت بهتر و مناسب‌تری نسبت به روابط سیاسی داشته است. همچنین تا حد زیادی همین روابط فرهنگی به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه حضور روابط سیاسی را پس از سقوط صدام و حزب بعث فراهم کرد. در حال حاضر نیز اگر روابط مثبتی بین دولت‌های دو کشور برقرار است بیشتر متأثر از روابط فرهنگی دو کشور است. روابطی مانند روابط زائران دو کشور، تشابهات فرهنگی، پناهنده شدن شیعیان عراقی به ایران، تشابهات فرهنگی، ساخت و ساز اماکن مذهبی عراق توسط ایرانیان و

بی‌شک ایران اگر امروز بخواهد روابط خود را با عراق ارتقا دهد باید کماکان بر روی این عوامل تأثیرگذار تأکید داشته باشد. چراکه عناصر دولتی همواره به دنبال عناصر غیر دولتی حرکت کرده و به عبارتی پیرو آن بوده است. روابط خوب و حسنه از این دست باعث شد که به محض از بین رفتن حزب بعث، ایران بتواند نقش مؤثر و فعالی را در وضعیت آشفته و جنگ‌زده عراق آنروز داشته باشد. این درحالی است که عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا که دشمن دیرینه ایران محسوب می‌شود اشغال شد. اما ایران آنقدر در لایه‌های عمیق مردمی عراق نفوذ کرده بود که به راحتی توانست نقش خود را بازی کند و در تحولات بعدی تأثیرگذار باشد.

اگر نفوذ ایران در لایه‌های مختلف جامعه عراق اعم از مردم، روحانیت و احزاب وجود نداشت، با حضور کشور مقتدر و تعیین کننده‌ای مانند آمریکا، ایران هیچ گاه موفق نمی‌شد نقش سازنده‌ای را در عراق بازی کند. به ویژه اینکه ایران و آمریکا اساساً با یکدیگر اختلاف دارند و قاعداً پیروزی هر کدام از آنها به معنی شکست دیگری تلقی می‌شود. اهمیت این نکته زمانی مضاعف می‌شود که بدانیم آمریکا برای ورود به عراق هزینه‌های بسیاری را پرداخت کرد. هم هزینه‌های سرسام‌آور جنگی و هم از این لحاظ که بدون مجوز سازمان ملل و رضایت افکار عمومی به این کشور حمله کرد. به همین دلیل سخت به دنبال پیروزی در مراحل بعد از سقوط صدام بود. اما ایران از چند دهه قبل و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حدی در عراق نفوذ کرده بود که به راحتی توانست در یک فضای کاملاً دموکراتیک افرادی را که سال‌ها در ایران زندگی کرده بودند و کاملاً متأثر از ایران بودند به بالاترین مناصب حکومتی عراق برساند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اتوتایل، ژناروید، سیمون دالی و پاول روتلج، ۱۳۸۰، *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۳. ایروانی، امیرسعید، ۱۳۸۸، «عملیات آمریکا در عراق و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۲.
۴. برزگر، کیهان، ۱۳۸۵، سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۵. _____، ۱۳۸۶، «ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»، راهبرد، شماره ۴۳.
۶. _____، ۱۳۸۸، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره ۱.
۷. بی‌نا، ۱۳۹۰، گزارش‌های مهم پروژه‌های در دست‌اجرا و بهره‌برداری شده در عتبات عالیات، ویرایش چهارم، آبان ۹۰.
۸. بی‌نا، بی‌تا، گزارش روابط اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران و عراق، وزارت بازرگانی، سازمان توسعه تجارت ایران، اداره کل بازرگانی کشورهای عربی و آفریقایی.
۹. پارسادوست، منوچهر، ۱۳۶۹، نقش عراق در شروع جنگ، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. _____، ۱۳۸۵، ما و عراق از گذشته دور تا امروز، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. تلاشان، حسن، ۱۳۸۹، «دورنمای ژئوپلیتیک شیعه در عراق»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۱.
۱۲. تیشه‌یار، ماندانا و مهناز ظهیری‌نژاد، ۱۳۸۴، سیاست خارجی عراق (بررسی نقش جغرافیای سیاسی عراق در روابط با همسایگان)، تهران، نشر ظهیری نژاد.
۱۳. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۶، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۴. جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۵. جهانگرد، نسرين، ۱۳۸۳، «نگرشی بر روابط و اختلاف‌های مرزی ایران و عراق و دخالت دول بیگانه»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹.
۱۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، پاپلی.
۱۷. خاکی، غلامرضا، ۱۳۷۹، روش تحقیق در مدیریت، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. دهنوی، نظام‌علی، ۱۳۸۳، «روابط سیاسی ایران و عراق در عصر حاکمیت عبدالکریم قاسم»، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹.

۱۹. دوئرتی، جیمز و رابرت فاتزاکراف، ۱۳۷۲، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس.
۲۰. زیباکلام، صادق و محمدرضا عبدالله‌پور، ۱۳۸۸، «بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران در قبال عراق»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۴.
۲۱. سیدعلوی‌پور، محسن، ۱۳۸۸، «ژئوپلیتیک عراق و امنیت در منطقه خلیج فارس»، *مطالعات خاورمیانه*، سال شانزدهم، شماره ۲.
۲۲. شیرازی، حبیب‌الله ابوالحسن و کامران طارمی، ۱۳۸۴، *نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. صالحی، حمید، ۱۳۹۰، «ابرقدرت‌ها، نظام بین‌الملل و جنگ عراق علیه ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۱، ص ۱۵۲ - ۱۳۵.
۲۴. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۷۹، *ژئواستراتژی*، تهران، سمت.
۲۵. _____، ۱۳۸۰، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران، سمت.
۲۶. فیروزی، محرمعلی، ۱۳۸۳، *تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و عراق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۷. کتابی، محمود و احمد راستینه، ۱۳۸۸، «دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۳، ص ۳۲ - ۱۱.
۲۸. کوهستانی‌نژاد، مسعود، ۱۳۸۴، *چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۹. مار، فب و اسدالله توکلی عباسی، ۱۳۸۰، *تاریخ نوین عراق*، ترجمه محمد عباس‌پور، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۰. متقی، ابراهیم، ۱۳۸۵، «آمریکا: هژمونی شکننده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، *نامه دفاع*، پژوهشکده راهبردی دفاعی، شماره ۴.
۳۱. مجتهدزاده، پیروز و سهراب عسگری، ۱۳۸۴، *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک (عمومی و ایران)*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

۳۲. نادری دوست، علی، ۱۳۸۶، *شیعیان عراق*، بی‌جا، آشیانه مهر.

۳۳. نامی، محمد حسن، ۱۳۸۷، *جغرافیای کشور عراق*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۳۴. نجفی، فیروز، ۱۳۸۷، *عراق از استعمار تا اشغال*، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

۳۵. وافر، سجاد، ۱۳۸۹، «تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات (در نیمه نخست

قرن بیستم)»، *تاریخ روابط خارجی*، سال یازدهم، شماره ۴۲.

۳۶. یکتا، حسین، ۱۳۸۱، «ایران و عراق، از عهدنامه الجزایر تا رویارویی»، *زمانه*، شماره ۲.

37. www.hajnews.ir.

38. www.mehrnews.com.

39. www.tisri.org/default-525.aspx.

